

مقایسه ساختاری-تطبیقی چهار منظومه عاشقانه دوران قاجار فیروز و نسرین؛ رابعه و بکتاش؛ شیدوش و ناهید و زهره و منوچهر

سیده فاطمه حسینی نژاد

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی
sfhnejad@outlook.com

چکیده

با آغاز دوران قاجاریه ادبیات ایران دستخوش دگرگونی می‌شود. هرچند در زمینه داستان‌نویسی و خلق منظومه‌های غنائی، ادبیات این دوره را نمی‌توان ادبیات پربراری دانست ولی از دوره مشروطه به بعد، تحولاتی در این عرصه پدید آمد و موجب آشنایی ایرانیان با شعر غنائی رمانتیک و ادبیات مدرن شد. بی‌تردید شعر غنائی دستاورد جنبش رمانتیک به حساب می‌آید. در ایران بخش عمده ادبیات غنائی مربوط به منظومه‌های غنائی و تحولاتی است که در منظومه نویسی از آغاز تا نیمه اول سده سیزدهم هجری پدید آمده است. مطالعه پیرامون پانزده منظومه عاشقانه قاجار و بررسی و مقایسه ساختارگرایانه‌ی چهار منظومه برجسته این دوران به صورت خاص به نام‌های منظومه "فیروز و نسرین" و "رابعه و بکتاش" مربوط به قبل از مشروطه و دو منظومه "شیدوش و ناهید" و "زهره و منوچهر" مربوط به بعد از تحولات نهضت مشروطه نشان می‌دهد که هرچند ساختار منظومه‌های عاشقانه در دوران قاجار عمدتاً جنبه تقلیدی دارد اما بعد از مشروطه دچار تحولات ملموسی در ساختار چه از نظر محتوا و چه از نظر روایی شده است.

واژگان کلیدی: ادبیات غنائی، رمانتیسیم، شعر غنائی، منظومه‌های عاشقانه، قاجاریه

۱- مقدمه

این مقاله، پژوهشی پیرامون منظومه‌های عاشقانه دوران قاجار به عنوان بخشی از ادبیات غنائی زبان فارسی است. در این جستار نخست در بخش اول به تعاریف اجمالی نوع ادبی غنائی و تأثیر مکتب رمانتیک بر آن و مختصری در مورد شعر غنائی و وضعیت ادبیات غنائی در دوران قاجار و سپس در بخش دوم به مقایسه ساختاری-تطبیقی چهار منظومه عاشقانه این دوران با نام‌های "فیروز و نسرین" "رابعه و بکتاش" "شیدوش و ناهید" "زهره و منوچهر" پرداخته شده است.

غزل و منظومه‌های عاشقانه در ادب ما دو جلوه‌ی مهم از شعر غنائی هستند که احساسات مختلف شاعر را در برابر مسائل جهان منعکس میکنند. در داستان‌های عاشقانه این سرزمین که به شکل منظومه‌های عالی غنائی دیده می‌شوند و داستان‌های بلند و روایی را در قالب داستانی عاشقانه روایت می‌کنند شاعر با ذهن و زبان و احساس درونی خود به وقایع و حوادث می‌نگرد و هدف نهایی در خلق این منظومه‌های غنائی توصیف عواطف و نفسانیات نوع بشر است. "منظومه‌های عاشقانه بخش عمده شعرهای غنائی را در خود جای داده اند در آنها مفهوم عشق به اشاراتی بیان می‌شود و معمولاً در قالب داستانی کمال می‌یابد آنچه در غزل انتزاعی و حکمی است در منظومه عاشقانه صورت عینی و تفصیلی به خود می‌گیرد." (بورگل، ۱۳۷۴: ۱۹) قرون دهم تا سیزدهم به لحاظ کمی و از نظر شماره منظومه‌ها معادل است با چهار برابر تمام منظومه‌های قرون گذشته. به طوری که منظومه‌سرایی در این سه قرن به صورت یک سنت درآمد یعنی هر شاعری رسالت خود را با نظم یک داستان عاشقانه پایان یافته می‌دید. و معلوم است که با چنین گسترش چشمگیر، زبان منظومه‌ها بسیار نازل تر از دوران قبل خواهد بود. مسئله اصلی این مقاله وضعیت ادبیات غنائی در دوران قاجار و مطالعه در منظومه‌های عاشقانه آن با معرفی مختصر بیش از پانزده